

متن پرسش

به اسم الله الرحمن الرحيم اين كه اينجا نوشته مي شود سوال يا درد دل نيست. اما خواندنش توسط شما مرحمی است بر زخمی كه خدا نکند اگر بخواهيم درمانش كنيم. يك سال از زمانی كه مردم به آن مي گویند طوفان الاقصی مي گذرد. اكثر با دید ترحم به اين قضیه نگاه مي كنند. اينكه زن و بچه ها گناه دارند و اگر خیلی منطق به خرج دهند مي گویند حماس حق داشته از خودش دفاع كند و حالا اگر نهايتا ديگر خیلی وظیفه شناس باشند مي گویند بايد از آنها حمايت كنيم و بگوئيم كه با آنهاييم. اما ماجرای من کمی متفاوت است. يعني آنقدری از ماجرا پرت بودم كه اصلا نمی دانستم فلسطین اشغال شده و تا همین پارسال فكر می كردم دو كشورند كه با هم می جنگند. درست غروب چنین روزی بود كه يك شب كامل را نتوانستم بخوابم و نیز شب های دیگر و روز های دیگر را. كارم شده بود نشستن و زل زدن به پخش زنده ی غزه و حالا ديگر مقصد رویایی من نه پاریس بود نه سواحل آفریقایي. تنها غزه. به حكم شهید خبرنگار قصد كمك مالی یا هر كمك دیگری را نداشتم. قصد داشتم بلند شوم. دستم را به زانوی غزه ی عزیزم بگیرم و بلند شوم. خانه ی رویایی من يك وجب خرابه بود در غزه و سفر دریایی ام قایقی در خان یونس كه یکی از ماهیگیران فلسطینی روی آن به شهادت رسیده بود. نمی دانم به گمانم دنیا سالها بود كه خاک خورده بود. غبار سر و رویش را گرفته بود. نفسش بند آمده بود و هیچ چیز اعم از آخرین پیشرفت های هوش مصنوعی و اينكه اولین زن دارد به ماه سفر می كند نمی توانست تكانی به آن بدهد. ساعات کاری محصور در تيك تاك های تایم ها بودند و شب و روز ما كوك می شد. اما درست سال پیش در چنین روزی دنیا يك بار ديگر طلوع را به چشم خود دید. نه اين يك استعاره نيست. صبح های ما برای ما چه معنایی دارند؟ نهايتا يك گردش ديگر يك سیاره خاکی دور يك غول هلیومی. در دنیای ما نه شب تاریک بود نه روز روشن. نه غروب غربت داشت و نه طلوع طوفان. در اين میان بود كه به قول عزالدین قسام تنها خورشید قدس می توانست طلوعی را در عالم رقم بزند و اين طلوع کاری كرد كه مزه ی طوفان در دهانمان بماند. شور صبح های طوفانی و شب های غریب. شور تونل های استعاری زیر هزاران تن بمب زندگی تکنولوژیک و بالاخره طوفان الاقصی همه مان را خطاب قرار داد: «اقرا. اقرا به اسم ربك الذی.» من شنیدم كه او می گفت از راه مدرسه و خانه و دفتر كار بيا بیرون. در جاده ی خاکی قدم بگذار و بخوان. بخوان به نام خدای فلسطین به نام پروردگار غزه به نام رحمن طوفان طلوع ها و رحيم غروب ها

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همان طور که می فرمایید تنها باید « به نام خدای فلسطین، به نام پروردگار غزه، به نام رحمن طوفان طلوع ها، و رحیم غروب ها». همراه سال هایی که امام موسی صدر و شهید چمران و در این اواخر سید حسن نصر الله، خواند. خواندنی که در دل این همه خرابی و شهادت، مانند آن شهیدان تازه متولد می شویم و چون جنین از ظلمات رحم بیرون می آییم و می فهمیم زندگی یعنی اگر ظلم تا آن اندازه اوج می گیرد که در غزه و لبنان اوج گرفته؛ مردمی در صحنه می آیند که تصور عظمت شخصیت آن ها ممکن نیست و می توان از زبان حضرت نایب الامام گفت: «مقاومت در غزه چشم دنیا را خیره کرد و به اسلام عزت بخشید، ... در غزه اسلام در برابر همه شرارت و پلییدی سینه سپر کرده است» و همچنان که در دیدار با شهید اسماعیل هنیه فرمودند: «امروز بلندترین پرچم اسلام در دستان مردم غزه است». و این یعنی حضور در تاریخی که به ما معنا می بخشد آن هم در روزگار بی معنایی ها. مهم آن است که امروز نسبت خود را تنها با مردم غزه و لبنان معنا کنیم تا در هویت عین الربط بودن خود معلوم شود از کدام آینه باید در محضر خداوند حاضر شد.

موفق باشید